



بررسی پدیده دستورنویسی برای زبان‌های خارجی در ایران

دکتر محمدرضا پهلوان نژاد^۱

دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

مشهد، ایران

حسین رسول پور^۲

دانشجوی دکتری دانشگاه ارومیه، مدرس دانشگاه پیام نور (واحد آذرشهر)

ایران

(تاریخ دریافت: ۲۳ خرداد ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۰۹ شهریور ۱۳۹۷)

مقاله حاضر سعی دارد با بررسی شیوه تدوین و مطالب دستورزبان‌هایی که پژوهش‌گران و اساتید ایرانی در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا کنون به زبان فارسی برای زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، اسپانیایی، ایتالیایی و ترکی استانبولی نگاشته‌اند، پدیده دستورنویسی برای این زبان‌ها را با دیدی انتقادی مورد پژوهش قرار دهد. در مجموع ۳۴۷ مورد به عنوان نمونه‌ها (داده‌ها)ی مقاله حاضر انتخاب شدند و از میان این موارد تعداد ۱۰۰ مورد به صورت تصادفی انتخاب شده و پس از تهیه کتاب‌های موردنظر، نحوه تدوین مطالب، نقاط قوت و کاستی‌های آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از این است که دستورزبان‌های نگاشته شده دارای نقاط ضعف بنیادین و اساسی بوده و به هیچ وجه نتوانسته‌اند جایگزین متون درسی اصلی این زبان‌ها شوند؛ هرچند برای طیف خاصی از مخاطبان همیشه جذابیت داشته‌اند. از سوی دیگر، کتاب‌های حاضر بیشتر جنبه‌های اقتصادی را لحاظ کرده و عمدتاً نیازهای بازار را مدنظر دارند و از این رو، هیچ اقبالی در آموزشگاه‌های زبان و دانشگاه‌های داخل کشور به چنین کتاب‌هایی نشان داده نمی‌شود. دوازده مورد از کاستی‌های این نوع دستورزبان‌ها و چهار مورد از مزیت‌های آن‌ها به طور مفصل در متن مقاله توضیح داده شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: دستورنویسی، زبان‌های خارجی، خودآموز، گرامر، نقطه‌ضعف‌ها و مزیت‌ها.

¹E-mail: pahlavan@um.ac.ir

²E-mail: h.ra.392@gmail.com

مقدمه

آموزش زبان‌های خارجی همواره در کشورهای عقب‌مانده یا همان کشورهای جهان سوم از اهمیت بالایی برخوردار بوده و این اهمیت روز به روز گسترش بیشتری پیدا می‌کند. در این میان ایران نیز جزء کشورهایی است که به ویژه در دهه‌های اخیر ضرورت آموزش زبان‌های خارجی در آن پررنگ‌تر شده است. این‌که چه عواملی این حرکت را پررنگ کرده و چه دلایلی سبب شده تا حالت مطلوب در آموزش این زبان‌ها به دست نیاید موضوعی است که فراتر از حوصله این نوشتار است. پیش از پرداختن به بحث باید به دو تعریف در حوزه این موضوع اشاره‌ای هرچند کوتاه بکنیم: مفهوم زبان بیگانه یا خارجی و زبان دوم. زبان بیگانه را زبانی تعریف می‌کنیم که: زبان مادری زبان‌آموز نیست؛ زبان زنده‌ای است و یادگیری آن نخستین درجه‌ای است که به روی زبان‌آموز گشوده می‌شود؛ عمدتاً به عنوان ابزاری برای ورود به بازار کار و بر عهده گرفتن نقش‌های والاتر در جامعه دانسته می‌شود (حافظیان، ۱۳۹۵: ۷). بنابراین برحسب این تعریف و با توجه به وضعیت آموزش زبان‌های خارجی در ایران زبان‌هایی چون انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسه و ترکی استانبولی که در این مقاله نیز مدنظر قرار خواهند گرفت در ایران به عنوان زبانی خارجی یا بیگانه شناخته می‌شوند. مفهوم زبان دوم در مقایسه با زبان‌های خارجی اندکی حالت شناور دارد. به این معنی که بسته به موقعیت، سرزمین یا کشوری که بخواهیم این مفهوم را تعریف کنیم متفاوت خواهد بود. ذکر مثالی در این زمینه مطلب را بهتر از تعریف خود این مفهوم روشن‌تر خواهد ساخت: زبان فرانسه برای فردی که در کشور فرانسه به دنیا آمده زبان اول یا مادری محسوب می‌شود و همین فرد اگر زبان انگلیسی را یاد بگیرد، زبان دوم وی زبان انگلیسی محسوب خواهد شد. همین‌طور اگر فردی انگلیسی‌زبان در کشور خود زبان فرانسوی را بیاموزد این زبان در حکم زبان دوم وی خواهد بود. بی‌شک در جوامعی که مسئله چندزبانگی در آنها حاکم است و قومیت‌های مختلفی با زبان‌های گوناگون درکنار یکدیگر زندگی می‌کنند، این مفهوم می‌تواند پیچیده‌تر نیز باشد. به عنوان مثال برای کودکی که در تهران بزرگ می‌شود کدام زبان به عنوان زبان دوم بایستی در نظر گرفته شود؟ کودکی که پدر و مادر وی در خانه به یکی از زبان‌های رایج در ایران (مثلاً ترکی) نیز تکلم می‌کنند و در درازمدت این کودک از طریق تعامل با والدین این زبان را می‌آموزد، بی‌شک زبان ترکی زبان دوم وی خواهد بود. در حوزه آموزش رسمی نیز سال‌ها کشمکش‌هایی در برنامه‌ریزی درسی مدارس حاکم بود تا زبان عربی یا انگلیسی را به عنوان زبان دوم آموزشی برجسته سازد. در این میان بافت مذهبی جامعه ایران و سیاست‌های کلان آموزشی دولت تمایل به پررنگ‌تر کردن نقش زبان عربی در این میان داشت. از این رو، زبان انگلیسی از یک سو در دیدگاه طیفی از جامعه به عنوان زبان دشمنان و از دیگر سو در دیدگاه طیفی دیگر ابزاری برای پیشرفت دانسته می‌شد (Davari & Aghagolzadeh, 2015: 13). در این میان وضعیت زبان‌های دیگر نیز بهتر از این نبوده است. باوجود این‌که رشته‌های تحصیلی مرتبط با این زبان‌ها (عمدتاً در دو گرایش آموزش و مترجمی) سال‌هاست که در دانشگاه‌های ایران ایجاد شده هنوز وضعیت نابسامان منابع تألیفی در داخل کشور باعث می‌گردد که منابع به‌روز و کارآمد منتشر شده در خارج از کشور همچنان دست برتر را در زمینه منابع پیشنهادی اساتید و مدرسان زبان خارجی داشته باشند. غیر از زبان ترکی

استانبولی و اسپانیایی سابقه تأسیس کرسی تدریس این زبان‌ها به قبل از انقلاب باز می‌گردد. از این رو، انتظار می‌رود که تا کنون اساتید این رشته کتاب‌ها و منابع درسی متعدد و کارآمدی را برای دروس متنوع این زبان‌ها تدوین کرده باشند. در این میان بخش دست‌نویس به علت اهمیت خاصی که از دیرباز داشته بیشتر مورد توجه است.

مقاله حاضر سعی دارد با نگاهی به پدیده دست‌نویسی برای زبان‌های خارجی که چند دهه‌ای است در فضای پژوهش زبان‌های خارجی در ایران پررنگ‌تر و ملموس‌تر شده برخی معایب و کاستی‌ها و همچنین نقاط قوت این دست‌نویس‌ها را بررسی کرده، پیشنهادات و نظراتی را نیز برای بهبود وضع موجود ارائه نماید. بی‌شک دقت در این پیشنهادات و اعمال آن‌ها خواهد توانست تا حدودی وضعیت نابسامان تألیف این کتاب‌ها را بهبود بخشد.

سؤال تحقیق

پرسشی که مقاله حاضر مطرح می‌سازد این است که دست‌نویس‌های تألیف شده برای زبان‌های خارجی در ایران دارای چه مزیت‌ها و کاستی‌هایی هستند؟ و آیا توانسته‌اند جایگزین مناسبی برای منابع اصلی آموزش این زبان‌ها در سطح دانشگاهی و مراکز آموزشی معتبر شوند؟ در سراسر مقاله سعی بر این خواهد بود که بتوانیم پاسخ قانع‌کننده‌ای به این پرسش بدهیم.

فرضیه تحقیق

دست‌نویس‌های تألیف شده برای زبان‌های خارجی در ایران در طی دهه‌های گذشته به دلیل داشتن ضعف‌ها و کاستی‌های اساسی نتوانسته‌اند جایگزین مناسبی برای متون درسی زبان اصلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش زبان باشند و تنها برای طیف خاصی از مخاطبان دارای اهمیت بیشتری بوده‌اند.

روش پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر ابتدا با مراجعه به تارنمای رسمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به نشانی اینترنتی www.nlai.ir فهرست کتاب‌های چاپ شده در حوزه دست‌نویس‌های انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسه و ترکی استانبولی استخراج شد. در عبارت جستجو نیز کلمات کلیدی «خودآموز»، «گرامر» و «دست‌نویس» مورد توجه قرار گرفت. سپس موارد زیر از مجموع داده‌های نمایش داده شده در تارنما حذف شدند: الف) کتاب‌هایی که سال چاپ آن‌ها قبل از سال ۱۳۵۷ بود؛ ب) کتاب‌هایی که نام آن‌ها شامل واژه‌های کلیدی «خودآموز»، «گرامر» و «دست‌نویس» نبود؛ پ) کتاب‌هایی که عیناً ترجمه گرامرها و کتب آموزشی بودند که در خارج از ایران تألیف شده‌اند؛ ت) کتاب‌هایی که منحصرراً برای مقاطع کنکوری کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و همچنین آزمون‌های زبان استاندارد (نظیر IELTS, IBT و ...) تدوین شده‌اند. با حذف موارد بالا در مجموع ۳۴۷ عنوان کتاب مشخص شد که در زمینه دست‌نویس‌های یاد شده عمدتاً در دو دهه اخیر به چاپ رسیده‌اند. از میان این موارد تعداد ۱۰۰ عنوان کتاب به صورت تصادفی انتخاب گردید و پس از مراجعه به کتابخانه‌ها و تهیه کتاب‌های موردنظر، نحوه تدوین مطالب و محتوای آن‌ها به دقت مورد

بررسی فرارگرفته، مزیت‌ها و کاستی‌های آن‌ها فهرست‌برداری شدند. در ادامه مقاله به تفصیل به این موارد اشاره خواهد شد.

بحث و بررسی

چنان‌که پیش از این گفته شد کتاب‌های دستورزبان که برای زبان‌های خارجی نوشته شده و در داخل ایران به چاپ رسیده‌اند دارای معایب و کاستی‌های متعددی هستند. نگاهی به تعداد این کتاب‌ها نیز خالی از فایده نخواهد بود. از مجموع داده‌های انتخاب شده در کل تعداد ۱۱۱ عنوان کتاب به زبان انگلیسی، ۳۳ عنوان کتاب به زبان آلمانی، ۲۰ عنوان به دستورزبان ترکی استانبولی، ۱۶ عنوان کتاب به زبان ایتالیایی، ۱۴ عنوان کتاب به دستورزبان اسپانیایی و تعداد ۹ عنوان کتاب به دستورزبان فرانسه اختصاص یافته‌اند. در این میان تعداد قابل توجه دستورزبان انگلیسی نشان دهنده اهمیت یافتن این زبان در دهه‌های اخیر در مجامع دانشگاهی می‌باشد که یکی از دلایل آن الزام دانشجویان به اخذ مدرک توانایی زبان انگلیسی (انواع آزمون‌های تافل) می‌تواند باشد. توجه به زبان‌های دیگر نیز تا حدودی در دهه‌های اخیر روند روبه‌رشدی داشته است. به طور خلاصه می‌توان اهداف زبان‌آموزان را در داخل ایران از یادگیری زبان‌های خارجی در دو مورد کلی خلاصه نمود: الف) آشنایی با این زبان‌ها برای استفاده از متون زبان اصلی؛ و ب) ورود به بازار کار و یافتن شغلی مناسب با مدرک تحصیلی. در این میان افرادی که در رشته زبان انگلیسی تحصیل می‌کنند با توجه به فراگیر شدن این زبان در سطح جامعه ایران و وجود برخی فرصت‌های شغلی در عرصه کار و تجارت اقبال بیشتری نسبت به سایرین دارند. فارغ‌التحصیلان سایر رشته‌ها نیز عمدتاً به کار ترجمه (به ویژه ترجمه رمان‌ها و کتب روان‌شناسی بسته به نیاز بازار نشر) و تدریس در آموزشگاه‌های زبان اشتغال دارند. با بررسی ۱۰۰ عنوان کتاب در این زمینه که تعداد ۳۵ عنوان به زبان انگلیسی، ۲۱ عنوان زبان آلمانی، ۱۵ عنوان زبان ترکی استانبولی، ۱۱ عنوان ایتالیایی، ۹ عنوان زبان فرانسه و ۹ عنوان زبان اسپانیایی اختصاص داشتند، معایب و ایرادات زیر در این دستورزبان‌ها یافت شد که در زیر به تفصیل توضیح داده می‌شود.

عدم استفاده از معیارهای بین‌المللی

دستورزبان‌های تألیف شده به هیچ وجه به معیارهای بین‌المللی و چارچوب‌های آموزشی زبان‌های خارجی توجهی نشان نمی‌دهند. تقریباً دو دهه‌ای است که چارچوب‌هایی از سوی سازمان‌های بین‌المللی نظیر اتحادیه اروپا در مورد آموزش زبان‌های خارجی، سطوح این آموزش و معیارها و ملاک‌های تدوین مواد درسی ارائه شده است. چارچوب مرجع مشترک اروپایی برای زبان‌ها: یادگیری، آموزش، ارزشیابی^۱ که در سال ۲۰۰۱ ارائه شده از جمله این موارد است. این چارچوب علاوه بر کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سایر کشورها در مورد زبان‌هایی چون فیلیپینی، ژاپنی، چینی، عربی و عبری نیز مورد استفاده قرار گرفته است (میردهقان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲). این چارچوب به خاطر ماهیت طبقه‌بندی که دارد سعی می‌کند پیچیدگی زبان‌های بشری را در یادگیری زبان با شکستن توانش

¹ Common European of Reference for Languages: Learning, Teaching, Assessment

زبانی به مؤلفه‌های جداگانه سهولت بخشد (Council of Europe, 2001:1). در کتاب‌های بررسی شده مطلقاً پای‌بندی به چنین معیارهایی مشاهده نشد.

عدم استفاده از معیارهای زبان‌شناختی

امروزه زبان‌شناسی با اصول و شیوه‌هایی که در تدوین اجزای کلام ارائه داده به کمک دست‌نویسان و محققان حوزه دست‌نویس‌آمده است. متأسفانه در نمونه‌های بررسی شده مؤلفان به هیچ عنوان از معیارهای زبان‌شناختی برای تسهیل در ارائه مطالب استفاده نکرده بودند، بلکه شیوه آن‌ها (با اندکی تغییر) ادامه همان شیوه سنتی در تدوین این‌گونه کتاب‌ها بوده است.

عدم استفاده از شکل‌ها و تصویرهای متناسب با محتوای کتاب

استفاده از شکل‌ها و تصویرها در کتاب‌های دست‌نویس‌آمده که بحث‌ها و مفاهیم آن برای خواننده تا حدی خشک و بی‌روح می‌باشد می‌تواند جذابیت خاصی به کتاب بخشیده و انگیزه‌ای مضاعف در خواننده برای مطالعه مستمر ایجاد کند. گاه وجود یک شکل یا تصویری کوچک حتی رساتر از توضیح چندسطری درباره یک نکته دستوری می‌تواند باشد. یکی از ایرادات کتاب‌های مورد بحث عدم استفاده از اشکال و تصویرهاست که این امر باعث شده عمدتاً به کتاب‌هایی خستگی‌آور برای خواننده و زبان‌آموز تبدیل شوند.

استفاده از ترجمه فارسی عبارت‌ها و جمله‌ها

استفاده از زبان فارسی و ترجمه عبارت‌ها و جمله‌ها در چنین کتاب‌هایی را می‌توان جزء معایب این دسته از دست‌نویس‌ها برشمرد. زبان فارسی به عنوان زبان آموزشی در این کتاب‌ها حکم زبان واسطه (Lingua Franca) را دارد. زبان واسطه را زبانی تعریف می‌کنیم که: زبان پیوند اقلیت‌های قومی و زبانی با یکدیگر در درون مرزهای ملی است (حافظیان، ۱۳۹۵: ۸). این زبان می‌تواند زبان آموزش باشد. چنان‌که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور این نقش را بر عهده دارد. برخلاف این‌که گفته شده (حافظیان، ۱۳۹۵: ۸) زبان واسطه زبان مادری زبان‌آموز نیست، مفهوم شناور بودن زبان دوم نیز در این‌جا به نوعی موضوعیت پیدا می‌کند. این گفته درباره زبان‌آموزان ایرانی که زبان مادریشان فارسی است صادق و در مورد سایر زبان‌آموزان نمی‌تواند صادق باشد. استفاده از زبان واسطه در چنین کتاب‌هایی هم مزیت و هم ایرادی برای آن‌ها محسوب می‌شود. ایراد از این جهت که همان‌طور که می‌دانیم همیشه تناظر یک‌به‌یک در زبان‌ها وجود ندارد و از این رو، استفاده از ترجمه عبارت‌های زبان خارجی صد در صد نمی‌تواند دقیق باشد و به‌طور کامل بیان‌گر منظور جمله زبان اصلی نخواهد بود. از سویی دیگر، قدرت خلاقیت زبان‌آموز را در تحلیل مطالب دستوری تا حد بسیار زیادی کاهش خواهد داد. به مزیت استفاده از زبان واسطه در ادامه اشاره خواهیم کرد.

عدم توجه به نیازها و تمایلات زبان‌آموز و توجه به نیازهای بازارنشر

بیشتر کتاب‌های مورد بحث توجه اندکی به نیازها و تمایلات زبان‌آموزان نشان داده‌اند. به این معنی که بیشتر نیازهای رایج بازار برای مؤلفان این کتاب‌ها حائز اهمیت بوده است. از سویی دیگر به نظر می‌رسد که اعمال سلیقه ناشران کتاب‌ها در این میان باعث شده که نیازهای زبان‌آموز در درجه دوم اهمیت واقع شود. در برخی موارد برخی ناشران حتی در نحوه فصل‌بندی مطالب کتاب نیز اعمال سلیقه نموده ترتیب آن‌ها را برحسب سلیقه خودشان تغییر می‌دهند.

استفاده از تقسیم‌بندی سنتی درباره مطالب دستوری

تقریباً در بیشتر این دستورزبان‌ها همان تقسیم‌بندی که قدمت آن به زمان یونان باستان می‌رسد (تقسیم اجزای کلام به اسم، فعل، حرف و...) در ترتیب‌بندی مطالب دستوری اعمال شده است. عمدتاً کتاب‌های حاضر مطالب دستوری را بر حسب تقسیم‌بندی اجزای کلام به اسم، فعل، حرف، صفت، قید و ... ارائه می‌دهند که در جای خود اگرچه روشن و صریح است، اما معایب بسیاری دارد. امروزه با رواج مفاهیم زبان‌شناسی در عرصه دستورنویسی، چنین تقسیم‌بندی‌هایی کنار گذاشته شده‌اند. متأسفانه در کتاب‌های مورد بحث هنوز وفاداری به این نوع تقسیم‌بندی‌ها دیده می‌شود. این امر باعث می‌شود که در ارزیابی آموزش زبان انگلیسی و سایر زبان‌ها به این نتیجه برسیم که آموزش زبان ... همچنان رویه سنتی و پیشین خود را ادامه می‌دهد (میرزایی و طاهری، ۱۳۹۴: ۱۹۸).

محدودیت منابع در تألیف کتاب‌های حاضر

در تألیف بیشتر کتاب‌های دستورزبان از منابع محدود و انگشت‌شماری استفاده می‌شود. چنان‌که روشن است در کشورهای غربی به ویژه انگلیس و آمریکا و فرانسه سالانه ده‌ها عنوان کتاب در زمینه دستورزبان تألیف و منتشر می‌شود که بیشتر آن‌ها بر طبق استاندارد اتحادیه اروپا می‌باشند. متأسفانه مؤلفان چنین دستورزبان‌هایی تنها به چند کتاب انگشت‌شمار دستورزبان اکتفا می‌کنند که در بیشتر مواقع تاریخ چاپ آن‌ها نیز به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی برمی‌گردد. در بیشتر این کتاب‌ها حتی منابعی در پایان کتاب ذکر نمی‌شود و در اکثر آن‌ها پنج یا شش کتاب به عنوان منبع آورده می‌شود که برای یک کار پژوهشی در حد دستورزبان نمی‌تواند کافی باشد.

غلط‌های چاپی و عدم صفحه‌آرایی جذاب

متأسفانه اشتباهات و خطاهای چاپی در این کتاب‌ها چه در مثال‌های زبان خارجی و چه در توضیحات فارسی همواره به چشم می‌خورد و گاه حتی در چاپ‌های بعدی نیز رفع نمی‌شود (عمدتاً به دلیل مخالفت ناشر با حروف‌چینی مجدد). همچنین عدم صفحه‌آرایی جذاب و وجود آشفتگی در کاربرد فونت (قلم) یکسان باعث شده که بر خستگی‌آور بودن مطالب کتاب افزوده شود. چنین ایرادهایی عمدتاً متوجه ناشر کتاب بوده و به نظر می‌رسد که در چاپ چنین کتاب‌هایی اعمال سلیقه ناشر بیشتر از مؤلف اهمیت دارد.

عدم رعایت سهولت مطالب دستوری

عدم رعایت ترتیب ارائه مطالب از ساده به دشوار یکی دیگر از معایب چنین کتاب‌هایی محسوب می‌شود. در برخی از این کتاب‌ها مؤلف مطالب فصل اول را با توضیح جمله شروع می‌کند؛ در حالی که شناختن جمله که مجموعه‌ای از اجزای ریزتر دستوری است بدون شناختن خود این اجزای کوچک‌تر آن هم در یک زبان خارجی قطعاً زبان‌آموز را دچار سردرگمی خواهد ساخت.

عدم استفاده از معادل‌های دستوری یکسان

در بیشتر این دستورزبان‌ها از معادل‌های فارسی متعددی برای اصطلاحات دستوری بهره گرفته شده است. این امر نوعی تشتت و آشفتگی را در کتاب‌های حاضر پدید آورده و از سویی دیگر موجب سردرگمی زبان‌آموز شده، در نهایت سبب می‌گردد که زبان‌آموز اصطلاح اصلی را به خاطر بسپارد.

استفاده از خط فارسی برای آوانگاری تلفظ واژه‌های خارجی

یکی دیگر از ایرادهای فاحشی که در این کتاب‌ها دیده می‌شود استفاده از خط فارسی برای نگارش تلفظ واژه‌های زبان خارجی است که می‌توان گفت یکی از بدترین موارد خطاها و ایرادهای فاحش به شمار می‌رود. خط فارسی قابلیت این را ندارد که بتواند تلفظ دقیق واژه‌های زبان‌های خارجی را به خوبی ثبت کند. متأسفانه در این مورد در کتاب‌های حاضر تشتت و آشفتگی‌های بسیاری به چشم می‌خورد. امروزه با رواج الفبای بین‌المللی آوانگاری (International Phonetic Alphabet) می‌توان آواهای هر زبانی را به سهولت آوانویسی کرد. در برخی از دستورزبان‌های زبان فرانسه آوای سایشی ملازی واکدار /ʒ/ یا خط فارسی به صورت /ق/ آوانگاری می‌شود که به هیچ وجه معرف آن نیست. یا واج /ʒ/ در زبان آلمانی را که دست‌کم دارای سه واج‌گونه است تنها با حرف فارسی «ر» آوانگاری می‌کنند.

عدم استفاده از مجموعه وسایل کمک آموزشی

در بیشتر این کتاب‌ها به ندرت از وسایل کمک آموزشی نظیر لوح فشرده (شامل فایل‌های صوتی و تصویری)، فلش‌کارت و ... استفاده می‌شود. دست‌کم در مورد تلفظ آواهای زبان خارجی کتاب‌های حاضر بایستی مجهز به این مجموعه وسایل باشند؛ چرا که خط هیچ‌گاه نمی‌تواند نحوه تلفظ آواها را توضیح دهد و ضروری است که زبان‌آموز در کنار مطالعه توضیحات به فایل‌های صوتی نیز گوش دهد.

چنان‌که پیش از این گفته شد کتاب‌های حاضر سراسر عیب و ایراد نیستند و نقاط قوتی نیز دارند. یکی از این نقاط قوت که جزء معایب نیز می‌تواند باشد استفاده از زبان واسطه است. از آنجایی که زبان فارسی در چنین کتاب‌هایی زبان واسطه به شمار می‌رود و مطالب و نکات دستوری ابتدا به این زبان شرح داده شده و سپس مثال‌هایی ارائه می‌شود و در برخی موارد ترجمه مثال‌ها به زبان فارسی ذکر می‌شود، زبان‌آموز با تسلطی که به این زبان دارد می‌تواند مطالب دستوری را بهتر درک کند. همچنین سرعت مطالعه کتاب در مقایسه با زمانی که زبان‌آموز اصل کتاب را مطالعه می‌کند بسیار بیشتر

است. زمانی که وی اصل کتاب را مطالعه می‌کند طبیعتاً مقداری از زمان مطالعه صرف مراجعه به فرهنگ لغت زبان مورد نظر و استخراج معانی واژه‌ها خواهد شد. از این روست که کتاب‌های حاضر برای زبان‌آموزان و افرادی که تصمیم دارند در زمان کوتاهی خود را برای آزمون‌های زبان استاندارد (انواع آزمون‌های تافل) و گاه اخذ اقامت و مهاجرت به کشورهای غربی آماده سازند گزینه‌های مناسبی می‌باشند. در واقع مخاطب اصلی چنین کتاب‌هایی نیز قشر یادشده است. اجتناب از آوردن مطالب اضافی نیز جزء مزیت‌های چنین کتاب‌هایی به شمار می‌رود. در بیشتر این کتاب‌ها مؤلف مطالب و نکات دستوری را در کمال سادگی و خلاصه‌وار و به صورت شفاف و صریح توضیح می‌دهد و وارد جزئیات اضافی نمی‌شود. این امر باعث می‌شود که مطالعه چنین کتاب‌هایی مدت زمان زیادی به طول نینجامد. همچنین عدم ذکر قواعد پیچیده زبان نیز جزء نقاط قوت این کتاب‌ها می‌تواند باشد. آوردن چنین مطالبی جز ایجاد سردرگمی در زبان‌آموز و کاهش میزان یادگیری ثمری نخواهد داشت. توجه به سطح زبان‌آموز نیز از دیگر نقاط قوت کتاب‌های دستور زبان است. بیشتر این کتاب‌ها مطالب دستوری را از پایه (آواها یا به تعبیر بیشتر مؤلفان الفبا یا حروف) آغاز می‌کنند و این امر باعث می‌شود که برای طیف وسیعی از مخاطبان کارایی داشته باشند. از مجموع آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که کتاب‌های حاضر دارای نقاط قوت اندک و نقاط ضعف اساسی هستند و همین ضعف‌ها باعث شده است که در آموزشگاه‌ها و مراکز تدریس زبان‌های خارجی به هیچ وجه طرفدارانی نداشته باشند. اگرچه در بخش خصوصی - یعنی آموزشگاه‌ها و مراکز خصوصی تدریس زبان خارجی - آزادی عمل بسیاری برای گزینش و انتخاب منابع درسی وجود دارد (آقاگل‌زاده و داوری، ۱۳۹۳: ۱۸۹)، اما کتاب‌های حاضر در این مراکز از اقبال چندانی برخوردار نیستند؛ چرا که روزآمدترین کتاب‌های تولید شده در کشورهای مرکز در کم‌ترین زمان ممکن پس از عرضه به بازارهای جهان بدون کم‌ترین محدودیتی جای پای خود را در نظام آموزش غیررسمی در ایران محکم می‌نماید (آقاگل‌زاده و داوری، ۱۳۹۳: ۱۸۹). از سوی دیگر می‌توان گفت که اگر معایب یادشده در چنین کتاب‌هایی رفع شوند چه بسا می‌توان شاهد این بود که کتاب‌های حاضر جایگزین برخی منابع زبان اصلی شوند. امری که ممکن است سال‌ها طول بکشد.

نتیجه‌گیری

از آنچه درباره مزایا و نواقص کتاب‌های مورد بحث گفته شد روشن می‌شود که کتاب‌های حاضر دارای نواقص بنیادین هستند که توجه بیشتر مؤلفان و همکاری ناشران محترم را می‌طلبد. رفع این نواقص و انتشار کتاب‌هایی که بتوانند دست‌کم رقیبی برای نمونه خارجی باشند امری نشدنی و محال نیست. در وضعیت فعلی کتاب‌های حاضر نتوانسته‌اند جایگزین مناسبی برای منابع دست اول خارجی (زبان اصلی) شوند و توجه به جنبه‌های اقتصادی و نیازهای رایج بازار بر جنبه‌های دیگر غلبه داشته است. از این رو، کتاب‌های حاضر نه تنها در سطح دانشگاهی، حتی در سطح مراکز آموزشی خصوصی نیز نتوانسته‌اند جایگاهی برای خود فراهم کنند. وجود برخی نقاط مثبت در این کتاب‌ها سبب شده که همواره برای طیف خاصی از مخاطبان سودمند باشند.

همچنین اشاره به این نکته ضروری است که بیشتر کتاب‌های حاضر مورد نقد و بررسی قرار نمی‌گیرند. از این رو، معایب و کاستی‌های آن‌ها برای مخاطبان و حتی خود مؤلف روشن نمی‌شود. شایان ذکر است که مطالب عنوان شده در این نوشتار حالت کلی داشته و در صورتی که هرکدام از این کتاب‌ها جداگانه مورد نقد و بررسی قرار گیرد می‌توان دقیق‌تر درباره اشتباهات و حتی خطاهای علمی آن‌ها سخن گفت. امید است که منتقدان توجه بیشتری به نقد چنین کتاب‌هایی نشان دهند.

References

منابع

- آفاگل‌زاده، فردوس و داوری، حسین (۱۳۹۳)، «جهانی‌شدن و گسترش زبان انگلیسی، ضرورت‌ها و الزامات بهره‌گیری از رویکرد انتقادی در مواجهه با زبان انگلیسی در ایران»، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۵، صفحات ۱۷۹ تا ۲۰۳.
- حافظیان، محسن (۱۳۹۵)، «متن اجتماعی و آموزش زبان‌ها»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال شانزدهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت، صفحات ۵ تا ۲۶.
- ساجدی، طهمورث (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد کتاب دستور زبان فرانسه»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان، صفحات ۳۵ تا ۴۴.
- میردهقان، مهین‌ناز و همکاران (۱۳۹۵)، *چارچوب مرجع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*، تهران: نشر خاموش.
- میرزایی، عزیزالله و طاهری، فرزانه (۱۳۹۴)، «بررسی و نقد کتاب انگلیسی هفتم از منظر مهارت دستوری: ارزیابی یک تغییر»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پانزدهم، شماره سوم، صفحات ۱۹۷ تا ۲۱۴.
- Council of Europe (2001), *Common European Framework of Reference for Languages: Learning, Teaching, Assessment*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Davadri, Hossein & Aghagolzadeh, Ferdows (2015), "To Teach or not to Teach? Still an Open Question for the Iranian Education System", *English Language Teaching in the Islamic Republic of Iran, Innovations, Trends and Challenges*, edited by Chris Kennedy, London: British Council.



The Investigation into the Phenomenon of Writing Grammar Books for Foreign Languages in Iran

Mohammad Reza Pahlavan Nezhad¹

Associate Professor of Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad. Iran

Hossein Rasoulpour²

Ph.D. Candidate of Urmia University, lecturer at Payam Noor University (Azarshahr Branch), Iran.

(Received: 13 June 2018; Accepted: 31 August 2018)

The present paper is an attempt to investigate the methods and contents of grammar books which Iranian scholars and universities' professors have written for the languages of English, German, French, Spanish, Italian and Turkish since 1978 and then to review the phenomenon of writing grammar books for these languages critically. To do this, we initially searched grammar books' names in the website of National Library and Archives of I. R. of Iran (www.nlai.ir) and then listed grammar books' titles. The following items, then were removed from the samples: a) the books which have published before 1978, b) the books which their names aren't included grammar (Persian: *dastūzabān*), self-study book (Persian: *khodāmūz*), c) the books which are exactly Persian translation of original published books abroad, d) the books which only have compiled and published for undergraduate, graduate and PhD examinations and Language Competence Tests (such as IELTS, IBT, etc.). Removing this data, in general, there were 347 books as the samples of this article. We chose 100 books and then investigated the advantages and disadvantages of their methods and contents. The results showed that these grammar books because of their disadvantages haven't been as reliable textbooks in Iranian University and Language Teaching Institutes. These books' authors usually have been considered publishing market's needs rather than needs of language learners.

Keywords: Phenomenon of Writing Grammar Books, Foreign Languages, Self-study Book, Grammar Book, Advantages, Disadvantages.

¹ E-mail: pahlavan@um.ac.ir

² E-mail: h.ra.392@gmail.com